

An analysis of the reasons for the repetition of salawat and its functions in Sahifa al-Sajjadiyah; with an emphasis on the ideological, educational, and political functions

Mohammad Ali Izadi ^{a*}, Mohammad Vahidi ^b,

^a Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Humanities, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran

^b PhD student in Theology, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran

KEYWORDS

Imam Sajjad (peace be upon him), salawat, Sahifa_Sajjadiyah, supplication

Received: 17 October 2025;
Accepted: 23 December 2025

Article type: Research Paper
DOI: 10.22034/thr.2025.2074919.1146

ABSTRACT

Salawat, as one of the most common Islamic adhikr, has a social position in the Shiite epistemological and faith system. In the inter-supplication works, the Sahifa al-Sajjadiyah of Imam Sajjad (AS) has addressed this dhikr more than any other source. In such a way that in forty-five supplications, Salawat has been taken a total of 196 times. The present study, with the aim of analyzing the reason for the high frequency of Salawat and examining its functions in the Sahifa al-Sajjadiyah, addresses the question of whether Imam Sajjad (AS) has exploited the spiritual structures and discourse books of Salawat for several library, educational and political values. The findings show that in the atmosphere of political suffocation and intellectual-moral decadence of the Umayyad era, Imam Sajjad (AS) has transferred his reform and combat mission from the realm of sermons and uprisings to the soft dimension of supplication and dhikr. The conscious repetition of salawat - especially with its connection to the family of Muhammad (PBUH) - in addition to explaining the correct method and playing a central role in the mention of Shiite identity, has had doctrinal, educational, and political functions. Accordingly, salawat in Sahifa al-Sajjadiyah has gone beyond the level of a descriptive mention and has become a document of identity and a charter-belief.

* Corresponding author.

E-mail address: m.izadi@basu.ac.ir





تحلیل چرایی تکرار صلوات و کارکردهای آن در صحیفه سجادیه؛ با تأکید بر کارکرد اعتقادی، تربیتی و سیاسی

محمدعلی ایزدی^{الف*}، محمد وحیدی^ب

^{الف} استادیار، گروه معارف اسلامی دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران، m.izadi@basu.ac.ir
^ب دانشجوی دکتری رشته کلام، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، قم، ایران، mh.vahidi1@gmail.com

واژگان کلیدی	چکیده
امام سجاده (ع)، صلوات، صحیفه سجادیه، دعا	صلوات به‌عنوان یکی از رایج‌ترین اذکار اسلامی، جایگاهی محوری در منظومه معرفتی و ایمانی شیعه دارد. در میان آثار دعایی، صحیفه سجادیه امام سجاده (ع) بیش از هر منبع دیگری به این ذکر پرداخته است؛ به‌گونه‌ای که در چهل‌وپنج دعا، درمجموع ۱۹۶ بار از صلوات بهره گرفته شده است. پژوهش حاضر باهدف تحلیل چرایی بسامد بالای صلوات و واکاوی کارکردهای چندگانه آن در صحیفه سجادیه، به این پرسش محوری می‌پردازد که امام سجاده (ع) چگونه از ظرفیت‌های معنوی و گفتمانی صلوات برای تحقق اهداف اعتقادی، تربیتی و سیاسی بهره برده‌اند. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و بر پایه داده‌های اسنادی و منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در فضای خفقان سیاسی و انحطاط فکری - اخلاقی دوران اموی، امام سجاده (ع) مأموریت اصلاحی و مبارزاتی خویش را از عرصه خطابه و قیام آشکار، به بُعد نرم دعا و ذکر، منتقل کرده‌اند. تکرار آگاهانه صلوات - به‌ویژه با پیوند آن به آل محمد (ص) - افزون بر تبیین شیوه صحیح ذکر و نقش محوری در بازسازی هویت شیعی، دارای کارکردهای اعتقادی، تربیتی و سیاسی بوده است. بر این اساس، صلوات در صحیفه سجادیه از سطح یک ذکر تعبدی فراتر رفته و به سندی هویتی و منشوری سیاسی - اعتقادی تبدیل شده است.

۱. مقدمه

تأکید قرآنی بر جایگاه والای پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت مطهر ایشان (علیهم‌السلام)، مسلمانان را موظف به تجلیل و دعا برای ایشان نموده است. دعای «صلوات» که در آیه ۵۶ سوره احزاب مورد تأکید الهی قرار گرفته، از برجسته‌ترین مصادیق این تجلیل است. این ذکر شریف، در صحیفه سجادیه که تجلی‌گاه عرفان و معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) است، به شکلی بی‌نظیر، ظهور یافته؛ به‌گونه‌ای که امام سجاده (ع) آن را ۱۹۶ مرتبه در قالب ۴۵ دعا تکرار نموده‌اند. این حجم از تکرار، نشان‌دهنده اهمیت فوق‌العاده این ذکر در منظومه فکری امام (ع) است.

بررسی زمینه تاریخی صدور این دعاها حاکی از دوران خفقان شدید سیاسی است که در آن، حکام جور وقت با حذف نام و یاد اهل بیت (ع) از شعائر دینی (مانند حذف صلوات از نماز جمعه)، درصدد تضعیف مکتب امامت و نهادینه کردن خلافت به‌جای مرجعیت اهل بیت (ع) بودند. برای نمونه عبدالله بن زبیر صلوات بر پیامبر اکرم (صلوات‌الله‌علیه و آله) و خاندان ایشان را به مدت چهل هفته در نماز جمعه حذف کرد؛ وقتی علت را پرسیدند، گفت:

«ان له اهل سوء فان ذکر مدوا اعناقهم لذكره» (البلاذری، ۱۴۱۷، ۲۹/۴) او دارای خانواده کوچکی است که وقتی یادی از او بشود، همه این خانواده، گردنکشی می‌کنند! وی در این زمینه، تعبیرهای تندتری نیز داشت. و همچنین حاکم بدنام اموی حجاج بن یوسف ثقفی در راستای حذف نام و مکتب اهل بیت به مردمی که به زیارت قبر پیامبر، می‌رفتند می‌گفت: «هلا طافوا بقصر امیرالمومنین عبدالملک! الا يعلمون ان خلیفه المرء خیر من رسوله» (ابن اثیر، ۱۴۲۰، ۱۳۶/۹) چرا قصر عبدالملک را طواف نمی‌کنید! مگر نمی‌دانید که خلیفه رسول از خود او برتر است!

در این فضای تیره، امام سجاد (ع) با تکرار مکرر صلوات در صحیفه، رسالت خود را در احیای مرجعیت خاندان پیامبر (ص) در قالب دعا، دفاع از حریم اسلام و مبارزه نرم با طاغوت‌های زمان به انجام رساندند. این تکرار انبوه گونه صلوات در صحیفه سجاده، ذهن پژوهشگر را با این پرسش اساسی مواجه می‌سازد که فلسفه و حکمت این فراوانی تکرار چیست؟ اهداف اعتقادی ذکر صلوات در ادعیه صحیفه سجاده کدام‌اند؟ امام سجاد (ع) با تکرار صلوات در این کتاب نفیس، چه اهداف تربیتی و سیاسی را دنبال نموده‌اند؟ فرضیه این پژوهش آن است که تکرار فراوان ذکر صلوات در صحیفه سجاده، ابزاری استراتژیک در دست امام سجاد (ع) بوده تا در شرایط خفقان، ابعاد اعتقادی (تثبیت امامت)، تربیتی (تعمیق ارتباط با منبع وحی و معرفی الگوهای برتر) و سیاسی (تداوم مبارزه با غصب خلافت) مکتب اهل بیت (ع) را به شیوه‌ای رمزگونه و ایمن، تبیین و احیاء نماید. چارچوب نظری پژوهش بر مبنای مبانی کلامی - حدیثی و فهم سیره ائمه (ع) در مواجهه با حکومت‌های جائر استوار است.

درباره اصل ذکر صلوات، منابع تفسیری فراوانی در ذیل آیه ۵۶ سوره احزاب، به استناد روایات، به بیان فضائل آن پرداخته‌اند. با این حال، تاکنون اثر مستقلی با عنوان «واکاوی ابعاد اعتقادی، تربیتی و سیاسی ذکر صلوات در صحیفه سجاده» صورت نگرفته است. برخی تحقیقات مرتبط، مانند مقاله «کیفیت صلوات از نگاه فریقین» اثر محمدحسین زمانی، (مجله طلوع، ۱۳۸۲) که به فلسفه تشریع و کیفیت صلوات پرداخته و «اقسام صلوات در قرآن» اثر محسن رساء، (کیهان، ۱۳۹۸) که کیفیت صلوات خداوند، ملائک و مؤمنان را تبیین کرده است، اگرچه مفید هستند، اما به دلیل تمرکز صرف بر کیفیت و تشریع صلوات، از هدف‌گذاری محوری و زمینه‌مند این پژوهش در صحیفه سجاده فاصله دارند. نوآوری این پژوهش در آن است که با پیوند دادن تکرار این ذکر با شرایط خاص سیاسی و اعتقادی زمانه امام سجاد (ع)، نقش صلوات را فراتر از یک ذکر عبادی ساده و به مثابه یک کنش سیاسی-تربیتی معصومانه، تبیین می‌کند و از این منظر، جایگاه «صلوات» و حقانیت مذهب اهل بیت (ع) را در این کتاب شریف روشن می‌سازد.

۲. مفهوم‌شناسی

در هر پژوهشی ابتدا باید اصطلاحات و مفاهیم کلیدی آن، تبیین شود تا از آفت اشتراک لفظی فاصله گرفته و مفهوم دقیق آن را بیابیم. ما در این پژوهش با مفاهیمی همچون «صلوات»، «آل محمد»، روبرو هستیم، لذا برای نتیجه‌گیری مطلوب درصدد به‌دست آوردن این مفاهیم و اصطلاحات برآمدمیم.

۱.۲. مفهوم صلوات

واژه «صلوات» جمع «صلاة» از ریشه «صلو» به معنای رحمت، تعظیم، دعا، نیایش، توجه و انعطاف به‌کاررفته است

(ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۴/۴۶۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۱/۴۹۰)؛ و در اصطلاح مقصود از «صلوات» درود خاص بر پیامبر و آلش (علیهم السلام) است که با تعبیری همانند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» (طوسی، ۱۴۱۱، ۱/۵۴)، «اللهم صل على محمد عبدك ورسولك بافضل صلواتك و على ائمة الهدى الراشدين المهديين» (همان، ص ۳۵۲)، «صلوات الله و صلوات ملائكته و انبيائه و رسله و جميع خلقه على محمد و آل محمد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱/۹۱، ۵۵)، وارد شده است.

خداوند در قرآن به دلیل تکریم مقام پیامبر و آلش دستور به صلوات داده است. «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (احزاب: ۵۶)؛ همانا خداوند و فرشتگانش بر پیامبر صلوات می‌فرستند، ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر پیامبر صلوات و سلام کامل و تمام بفرستید. از سنت‌های پسندیده و رایج در میان انسان‌ها تجلیل و تکریم از انسان‌های نامدار است، بر همین اساس در آیه شریفه، بهترین تجلیل نسبت به مقام شامخ پیامبر اکرم (ص) صورت گرفته است؛ زیرا از یک‌سو خداوند و فرشتگان بر آن حضرت صلوات می‌فرستند و از سوی دیگر، به مؤمنان دستور به صلوات و سلام نسبت به حضرت داده شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۲/۲۶۹). شروع آیه شریفه با جمله اسمیه (إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ) و استعمال فعل (يُصَلُّونَ) به صورت مضارع بیان می‌کند که صلوات و درود خداوند و ملائکه به صورت مستمر است (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ۲۱/۳۲۱؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۲/۲۶۹) پس باید صلوات مؤمنان نیز دائمی، باشد.

ممکن است سؤال شود صلوات خدا و ملائک و صلوات مؤمنین به چه معناست و آیا تفاوتی دارند؟ پاسخ آن است که «صلوات» از خدا به معنای رحمت و از ملائکه به معنای استغفار و از مردم به معنای دعا است. مرحوم علامه «صلوه» را به معنای «انعطاف» دانسته و می‌فرماید: صلوات از خدا به معنای انعطاف او به پیامبر به وسیله رحمتش است و صلوات ملائکه به معنای انعطاف آنها به آن حضرت است، به این معنا که او را تزکیه نموده و برایش استغفار می‌کنند و صلوات مؤمنین بر آن حضرت به معنای انعطاف آنها به معنای درخواست رحمت بر ایشان است. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۶/۳۳۸).

استعمال واژه «سَلِّمُوا» بعد از «صَلُّوا» حاکی از این است که صرف علاقه و محبت قلبی، کفایت نمی‌کند و باید صلوات همراه با التزام عملی و اطاعت از دستورات پیامبر (ابی السعود، ۱۹۸۳، ۷/۱۱۴) و آلش باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۲/۲۷۲).

البته توصیه به ذکر صلوات اختصاص به شیعیان ندارد و در روایات کثیری از اهل سنت نیز بر این موضوع تأکید شده است (ابن حنبل، ۱۴۱۶، ۱۱/۱۲۸).

۲.۲. مفهوم آل محمد

صلوات بر پیامبر باید با صلوات بر آلش همراه باشد؛ زیرا وقتی آیه شریفه (سوره احزاب) نازل شد، برخی از اصحاب در مورد کیفیت صلوات سؤال کردند، پیامبر اکرم (ص) در پاسخ فرمودند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ ... وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ» (بخاری، ۱۴۱۰، ۷/۳۸۵؛ طوسی، ۱۴۱۴، ۴۳۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۷/۲۵۸)؛ یعنی بعد از صلوات بر پیامبر (ص) بر آل ایشان نیز صلوات بفرستید. در حدیث دیگری فرمودند: «لَا تُصَلُّوا عَلَى صَلَاةِ الْبَرَاءِ، قَالُوا: وَ مَا الصَّلَاةُ الْبَرَاءُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: لَا تَقُولُوا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ تُمَسِّكُونَ، بَلْ قُولُوا: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

مُحَمَّدٌ وَ آلِ مُحَمَّدٍ: بر من صلوات مقطوع (ناقص) نفرستید، گفتند: یا رسول الله صلوات مقطوع چیست؟ فرمود: این که بگوئید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ سَكُوت کنید، بلکه بگوئید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ (قندوزی حنفی، ۱۴۱۶، ۲/ ۴۳۴؛ مظفر، ۱۴۲۲، ۵/ ۱۰۸).

در مورد مصداق «آل محمد (ص)» که صلوات نفرستادن بر آن‌ها موجب صلوات ناقص و ابتر می‌گردد، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد:

۱. برخی «آل محمد» را به معنای «امت» دانسته‌اند (سیوطی، ۱۴۰۴، ۵/ ۲۱۸). لیکن این دیدگاه قابل‌پذیرش نیست؛ زیرا بدیهی است که همه امت اهل ایمان و بهشتی نیستند و عده‌ای از آن‌ها اهل دوزخ خواهند بود، بنابراین نمی‌توان آن‌ها را شریک تحیت مخصوص پیامبر دانست؛ پس این دیدگاه، ادعایی بدون دلیل و برخلاف ظاهر است.

۲. برخی دیگر «آل محمد» را شامل همسران، ذریه و صحابه دانسته و گفته‌اند باید همه این افراد را شریک قرارداد (سیوطی، ۱۴۰۴، ۵/ ۲۱۶). این قول نیز پذیرفته نیست، زیرا اولاً از آیات قرآن کریم استفاده می‌شود که همسر بودن، فرزند صلبی بودن و یا افتخار صحابت آن حضرت را داشتن، به‌تنهایی نمی‌تواند شایستگی آل او بودن را تأمین کند؛ چون قرآن، از یک‌سو همسر لوط را آل وی نمی‌داند و تصریح می‌کند که ما آل لوط را نجات دادیم (قمر: ۳) درحالی‌که همسر او نجات نیافت (هود: ۸۱). از سوی دیگر می‌فرماید: آل فرعون گرفتار عذاب سختی خواهند شد (غافر: ۴۶) لیکن همسر او که الگوی مؤمنان است در این مجموعه داخل نیست (تحریم: ۱۱). کما اینکه همگونی سرنوشت پسر نوح با همسرش و سلب اهلیت از او (هود: ۴۶) نشان می‌دهد، فرزند صلبی بودن نیز به‌تنهایی برای آل بودن کفایت نمی‌کند. حاصل آنکه همسر لوط، همسر نوح و فرزندش از نظر قرآن «آل» محسوب نمی‌شوند، بر همین اساس نمی‌توان آل محمد را شامل همسران، ذریه و صحابه دانست.

ثانیاً: قرآن به‌صراحت خانه‌نشینی و عدم دخالت همسران پیامبر (ص) در مسائل سیاسی و اجتماعی را اعلام می‌دارد (احزاب: ۳۳)، درحالی‌که «عایشه» از این دستور الهی، تخلف کرد و در جنگ جمل در مقابل حضرت علی (ع) قرار گرفت. عده‌ای از صحابه همانند «طلحه و زبیر» حرمت حریم رسول خدا را شکستند و «عایشه» را در شهرها در معرض دید نامحرمان قرار دادند. «فَخَرَجُوا يَجْرُونَ حُرْمَةَ رَسُولِ اللَّهِ» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۲). حرکت شنیع این افراد در جمل به‌گونه‌ای است که امام علی (ع) در نامه ۵۴ و خطبه‌های مختلف (۳۲، ۱۳۷، ۱۷۲) آن‌ها را مورد نکوهش قرار داده است. اظهار پشیمانی و شرمساری عایشه، راضی نشدن وی برای دفن در کنار رسول خدا (ابن سعد، ۱۴۲۰، ۶/ ۵۴) گریه ایشان در هنگام تلاوت آیه شریفه (وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ)، (سیوطی، ۱۴۰۴، ۱۸۶/ ۵)، همه حکایت از رفتار سوء و ناصحیح او دارد و مهر تأییدی بر این حقیقت است که او به‌عنوان همسر پیامبر (ص) شایستگی «تحیت» را ندارد. علاوه بر این، پیامبر در جریان معروف کساء، مانع ورود عایشه (حسکانی، ۱۴۱۱، ۲/ ۳۷) و ام سلمه (حسکانی، ۱۴۱۱، ۲/ ۳۸؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ۶/ ۶۰۴) در جمع اهل بیت شد و بسیار بدیهی است، وقتی عایشه و ام سلمه در این عنوان داخل نباشند، حکم دیگر زن‌ها و صحابه روشن است.

۳. قول مختار: مصداق «آل محمد» چهارده معصوم است؛ زیرا رسول خدا (ص) از عصمت مطلق برخوردار هستند، بنابراین فقط کسانی که از «عصمت» برخوردارند و از نظر روحی، علمی، عملی و صفات انسانی سنخیت کامل با حضرت دارند، مشمول «آل» خواهند بود. «آل محمد» اهل بیت نبوت هستند، کسانی که خداوند متعال با اراده تکوینی

خود هرگونه رجس و پلیدی را آنها دور نمود و آنان را از هر جهت پاک و مطهر ساخت (احزاب: ۳۳). «طهارتی» که به فرموده امام رضا (ع): «فضیلتی است که هیچ کس جز معاند گمراه، آن را نادیده نمی گیرد؛ چون هیچ فضیلتی پس از این طهارت متصور نیست» (صدوق، ۱۳۷۰، ۱ / ۲۳۱). در لسان مبارک رسول خدا «اهل بیت» بر افراد معین و مشخص اطلاق شده است. در روایات کثیری ذکر شده است که وقتی آیه تطهیر نازل شده، پیامبر (ص) امام علی، حضرت فاطمه و امام حسن و حسین (علیهم السلام) را در درون کساء قرار دارد و فرمود: «اللَّهُمَّ هُؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي، اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۵ / ۲۲۱). در برخی احادیث دیگر نقل شده، وقتی پیامبر (ص) حدیث ثقلین را ذکر کردند و از حضرت پرسیدند: «اهل بیت از عترت» شما چه کسانی هستند؟ فرمود: «علی، حسن، حسین و امامانی که از فرزندان حسین تا روز قیامت هستند» (صدوق، ۱۴۰۳، ۹۱)؛ (همان، ۱۳۹۵، ۱ / ۲۴۰). امام سجاد (ع) نیز پس از واقعه عاشورا هنگام اسارت رفتن به شام، به پیرمرد شامی که اسیران کربلا را نمی شناخت فرمود: ما همان اهل بیت هستیم که به آیه تطهیر اختصاص یافتیم (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۵ / ۱۲۹) همان گونه که در سراسر صحیفه سجادیه هنگام «صلوات بر محمد» «آل» را نیز ذکر کرده اند و در برخی ادعیه بعد از ذکر «صلوات» عصمت، انتصابی بودن، علم لدنی داشتن و افضلیت را از جمله ویژگی های «آل» بر شمرده اند (صحیفه سجادیه، دعای ۴۷، فراز ۵۷).

۳. بررسی کمی صلوات در صحیفه سجادیه

باتوجه به اهمیت و جایگاه این ذکر و شرایط حاکم بر جامعه در دوران امامت امام سجاد (ع)، صلوات یکی از ویژگی های برجسته صحیفه سجادیه، محسوب می شود. آن حضرت در اکثر دعاها و در برخی ادعیه به صورت مکرر نام مبارک پیامبر و آلش (علیهم السلام) را با احترام در قالب ذکر صلوات، بیان کرده اند که در ذیل در دو جدول جداگانه (به لحاظ تعداد و کثرت) ارائه شده است.

فراوانی ذکر صلوات در ادعیه صحیفه سجادیه به لحاظ تعداد (جدول شماره ۱)

ردیف	شماره دعا	تعداد صلوات	ردیف	شماره دعا	تعداد صلوات	ردیف	شماره دعا	تعداد صلوات
۱	۲	۱	۱۶	۱۹	۱	۳۱	۳۶	۱
۲	۵	۱۴	۱۷	۲۰	۲۱	۳۲	۳۷	۱
۳	۶	۵	۱۸	۲۱	۵	۳۳	۳۸	۱
۴	۷	۱	۱۹	۲۲	۷	۳۴	۳۹	۴
۵	۸	۱	۲۰	۲۳	۳	۳۵	۴۰	۱
۶	۹	۲	۲۱	۲۴	۷	۳۶	۴۱	۱
۷	۱۰	۱	۲۲	۲۶	۲	۳۷	۴۲	۱۳
۸	۱۱	۲	۲۳	۲۷	۵	۳۸	۴۳	۳
۹	۱۲	۲	۲۴	۲۹	۱	۳۹	۴۴	۸
۱۰	۱۳	۴	۲۵	۳۰	۴	۴۰	۴۵	۶
۱۱	۱۴	۷	۲۶	۳۱	۵	۴۱	۴۶	۱
۱۲	۱۵	۱	۲۷	۳۲	۳	۴۲	۴۷	۱۲
۱۳	۱۶	۵	۲۸	۳۳	۱	۴۳	۴۸	۱۹
۱۴	۱۷	۵	۲۹	۳۴	۱	۴۴	۵۲	۱
۱۵	۱۸	۱	۳۰	۳۵	۳	۴۵	۵۴	۳

جمع کل: ذکر صلوات ۱۹۶ مرتبه در ۴۵ دعا از ادعیه صحیفه سجادیه ذکر شده است.

فراوانی ذکر صلوات در ادعیه صحیفه سجادیه به لحاظ کثرت (جدول شماره ۲)

ردیف	شماره دعا	تعداد ذکر صلوات
۱	۲۰	۲۱
۲	۴۸	۱۹
۳	۵	۱۴
۴	۴۲	۱۳
۵	۴۷	۱۲
۶	۴۴	۸
۷	۲۴-۲۲-۱۴	۷
۸	۴۵	۶
۹	۳۱-۲۷-۲۱-۱۷-۱۶-۶	۵
۱۰	۳۹-۳۰-۱۳	۴
۱۱	۵۴-۴۳-۳۵-۳۲-۲۳	۳
۱۲	۳۶-۱۲-۱۱-۹	۲
۱۳	۵۲-۴۶-۴۱-۴۰-۳۸-۳۷-۳۶-۳۴-۳۳-۲۹-۱۹-۱۸-۱۵	۱
	۲-۷-۸-۱۰	
جمع کل	۴۵	۱۹۶

طبق جدول ارائه شده، تکرار ذکر صلوات در ادعیه صحیفه سجادیه یکنواخت نیست، در برخی دعاها یک مرتبه و در برخی دیگر به طرز چشمگیری تا بیست و یک مرتبه افزایش یافته است. در این رابطه می توان گفت: دعاهایی که از نوع اجتماعی، سیاسی و مرتبط به امت اسلام هستند، فراوانی ذکر «صلوات» در آنها نمود بیشتری دارد. بیشترین کاربرد ذکر «صلوات» در دعای بیستم، چهل و هشتم، پنجم، چهل و دوم و چهل و هفتم صورت گرفته است. دعای بیستم در دو محور اخلاق فردی و اجتماعی تنظیم شده و در آغاز اکثر فرازهای آن «صلوات» تکرار شده است، دعای چهل و هشتم در موضوع عید قربان است، امام (ع) در این دعا بارها بر پیامبر و اهل بیت صلوات فرستاده و رهبری جامعه اسلامی را مخصوص ائمه (علیهم السلام) دانسته و گردهمایی امت اسلام در این روز را برای نشان دادن عظمت اسلام مهم تلقی کرده و از خداوند درخواست رحمت و مغفرت دارند. دعای پنجم، دعا برای خود و دوستان در جهت استواری در صراط مستقیم و بندگی خداوند و طلب نعمت، هدایت و امنیت است. در دعای چهل و دوم حضرت ویژگی های قرآن، پیامبر و سختی های ایشان در تبلیغ دین اسلام را یادآور شده و ائمه (علیهم السلام) را خزانه داران و مفسران حقیقی قرآن معرفی کرده اند. دعای چهل و هفتم نیز مربوط به روز عرفه است که حضرت به ویژگی های اهل بیت پرداختند و حکومت را حق آنها اعلام نمودند.

۴. بررسی کیفی صلوات در صحیفه سجادیه

با وقوع حادثه عاشورا، واقعه حرّه، سرکوب قیام توابین و شهادت مختار ترس و رعب شدیدی در سراسر جهان اسلام به ویژه در میان شیعیان به وجود آمد. در توصیف این ایام امام سجاد (ع) می فرماید: «وَمَا بِمَكَّةَ وَ الْمَدِينَةَ عِشْرُونَ رَجُلًا يُجَبُّنَايَعْنِي: در مکه و مدینه بیست نفر نیستند که ما را دوست بدارند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۴۶ / ۱۴۳) و امام صادق (ع) در مورد دوران اختناق بعد از شهادت امام حسین می فرماید: «إِزْتَدَّ النَّاسُ بَعْدَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا ثَلَاثَةً: بعد از شهادت امام حسین (ع) به جز سه نفر بقیه مرتد شدند» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲ / ۳۸۰). علاوه بر اختناق سیاسی که از

سوی حکومت اموی، ایجاد شده بود، همچنین به دلیل بی‌اعتنایی به مسائل اعتقادی و معنوی، انحطاط فکری و فرهنگی در میان جامعه به وجود آمده بود. امام سجاد برای تبیین وضعیت نابسامان اجتماعی حاکم بر جامعه می‌فرماید: «مَا نَدْرِي كَيْفَ نَصْنَعُ بِالنَّاسِ إِنْ حَدَّثَانَهُمْ بِمَا سَمِعْنَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ضَجُّوا وَ إِنْ سَكَنَّا لَمْ يَسْعَنَا: وقتی از رسول خدا (ص) روایت کنیم، (مردم نه‌تنها قبول نمی‌کنند) بلکه می‌خندند و اگر ناگفته بگذاریم، طاقت نمی‌آوریم» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۶/ ۲۵۹).

امام سجاد (ع) در دوران خفقان سیاسی و انحطاط فکری و اخلاقی حاکم بر جامعه، عهده‌دار امامت شدند و زمینه قیام و خطابه برای ایشان فراهم نبود، لذا تصمیم گرفتند معارف اصیل اسلامی، توحید، نبوت، ویژگی‌ها، کمالات، حقانیت و شایستگی اهل‌بیت برای مقام امامت را در قالب دعا و ذکر صلوات بیان کرده و ابعاد اعتقادی، تربیتی و سیاسی این ذکر شریف را موردتوجه قرار دهند.

۱.۴. بررسی صلوات در بُعد اعتقادی

ذکر صلوات نماد باور و عقیده درونی انسان به توحید، نبوت و امامت است، اولین واژه این جمله «اللهم» به معنای روی‌آوری به درگاه احدیت و انقطاع از ما سوی الله، حکایت از «توحید» می‌کند. درود بر پیامبر به معنای پذیرش «نبوت رسول خدا» و درود بر «آل محمد» به معنای قبول امامت و ولایت «اهل‌بیت» به‌عنوان انسان کامل و شایسته رهبری است. با اعتقاد بر اینکه «اهل‌بیت» واسطه فیض هستند، وجود عالم آفرینش و نزول برکات مادی و معنوی به برکت وجود آنها خواهد بود، با این رویکرد امام سجاد (ع) ذکر «صلوات» را زمینه‌ساز برآورده شدن حاجات، خشنودی خداوند، پذیرش شفاعت، وصول به عالی‌ترین درجات و نشانه‌قدردانی از حقوق اهل‌بیت معرفی کرده است.

۱.۱.۴. صلوات سبب وصول به عالی‌ترین درجات

«وَصَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَاةً تُبَلِّغُهُ بِهَا أَفْضَلَ مَا يَأْمُلُ مِنْ خَيْرٍ وَفَضْلِكَ وَكَرَامَتِكَ: خدایا بر محمد و آل او درود فرست، درودی که آنان را به برترین چیزی که از خیر و فضل و کرامت تو امید دارند، برساند» (دعای ۴۲، فراز ۲۲). حضرت در این فراز تصریح دارند بر اینکه صلوات موجب ترفیع درجه پیامبر و آلش خواهد شد، چنانکه در فراز بیستم از همین دعا با تعبیر «وَأَرْفَعُ دَرَجَتَهُ» بر این موضوع تأکید دارند. در فراز بیست و چهارم از دعای دوم نیز حضرت با استعمال تعبیر «فَارْفَعَهُ» درخواست رفعت مقام برای پیامبر گرامی (ص) نموده‌اند و بار دیگر بر اینکه مقام و منزلت پیامبر قابل ارتقا است، تأکید کرده‌اند.

۲.۱.۴. صلوات موجب خشنودی خداوند و پیامبر

«رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَاةً تُرْضِيهِ وَتَزِيدُ عَلَى رِضَاهُ، وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً تُرْضِيكَ وَتَزِيدُ عَلَى رِضَاكَ لَهُ: پروردگارا! بر محمد و آل او درود فرست، درودی که او را خشنود گرداند و بر خشنودی او بیافزاید و بر او درود فرست، درودی که تو را خشنود نماید و بر خشنودی تو برای آن حضرت بیافزاید» (دعای ۴۷، فراز ۵۲). در این فراز امام سجاد (ع) «صلوات» را مایه خشنودی خداوند متعال و پیامبر (ص) معرفی نموده است.

۳.۱.۴. صلوات نشانه‌قدردانی و ادای بخشی از حقوق

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، كَمَا اسْتَنْقَذْتَنَا بِهِ: بار خدایا بر محمد و آل او درود فرست، چنان که ما را به سبب او (به راه حق) راه نمود و بر محمد و آل او درود فرست، چنان که ما را به وسیله آن حضرت (از جهل و نادانی) رهانیدی» (دعای ۳۱، فراز ۳۰). صلوات نشانگر روحیه قدرشناسی امت است، چون پیامبر و آلش واسطه فیض (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ش، ۲ / ۲۶۹) و وسیله هدایت و رهنمون شدن انسان به راه حق و رهایی از جهل و نادانی هستند (مجید فقیهی، ۱۳۷۶ / ۸۲).

۴.۱.۴. صلوات موجب استجاب دعا

امام سجاد (ع) در فراز ۲۴ از دعای سیزدهم و در فراز ۳۴ از دعای سی و دوم از خداوند درخواست می کند که صلوات را نامحدود، پیوسته و وسیله ای برای رفع احتیاجات آدمی قرار بدهد و در فرازی دیگر صلوات را وسیله استجاب دعا دانسته و می فرماید: «فَأَسْأَلُكَ بِكَ وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ، أَنْ لَا تَرُدَّنِي خَائِبًا: پس از تو درخواست می نمایم به حق خودت و به حق محمد و آل او، درودهای تو بر ایشان باد، مرا نومید برنگردانی» (دعای ۱۳، فراز ۲۵). در فرازی دیگر امام (ع) صلوات را موجب استجاب دعا و نفع و برکت آن را برای شخصی که صلوات می فرستد دانسته و می فرماید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّنَا وَآلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَصَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَصَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَافْضَلْ مِنْ ذَلِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، صَلَاةً تَبْلُغُنَا بَرَكَتَهَا، وَيَنَالُنَا نَفْعَهَا وَيَسْتَجَابُ لَهَا دُعَاؤُنَا» (دعای ۴۵ / فراز ۵۶). در همین رابطه حضرت بعد از دعای عید قربان فرمودند، نیازهای خود را به درگاه خداوند متعال عرضه کنید و پس آن هزار صلوات بفرستید. در مورد اینکه «صلوات» موجب استجاب دعا می گردد، احادیث بسیاری از پیامبر و ائمه ذکر شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ۲ / ۴۹۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۴۰۳ق، ۵۳ / ۹۱). از جمله از امام علی (ع) منقول است: «إِذَا كَانَتْ لَكَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَةٌ، حَاجَةٌ فَابْدَأْ بِمَسْأَلَةِ الصَّلَاةِ عَلَى رَسُولِهِ (صلی الله علیه وآله)، ثُمَّ سَلْ حَاجَتَكَ، فَإِنَّ اللَّهَ أَكْرَمُ مَنْ أَنْ يُسْأَلَ حَاجَتَيْنِ، فَيَقْضِي إِحْدَاهُمَا وَيَمْنَعُ الْأُخْرَى: هرگاه تو را به خداوند سبحان حاجتی باشد، درخواست خود را با درود بر رسول خدا (ص) آغاز کن و سپس حاجت خود را بخواه؛ زیرا خداوند، بزرگوارتر از این است که دو حاجت از او بخواهند و او یکی از آن دو [صلوات بر رسول] را روا سازد و دیگری را رد کند». (نهج البلاغه، حکمت ۳۵۳).

۴.۱.۵. صلوات و شفاعت در قیامت

«وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَاةً تَشْفَعُ لَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَوْمَ الْفَاقَةِ إِلَيْكَ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ يَسِيرٌ: و بر محمد و آل او درود فرست، درودی که ما را روز رستاخیز و روز نیازمندی به تو (از عذاب و کیفر جاوید) شفاعت نماید، زیرا تو بر هر چیز توانائی و آن (درخواست من) بر تو آسان است» (دعای ۳۱، فراز ۳۰). یکی از آثار درخشان صلوات، شفاعت این ذکر در روز قیامت و رهایی از ناملایمات روز رستاخیز است. از عبارت امام (ع) استفاده می شود که روز قیامت روز آشکار شدن اسرار نهانی است، در این روز انسان ها نیاز شدید به شفاعت و واسطه بین خود و خدا دارند تا در پرتو آن نجات یابند. مفهوم صلوات در حقیقت تمسک نظری و عملی به پیامبر و اهل بیت (ع) است که در سایه این تمسک، رابطه ملکوتی خاصی بین ما و آن ها پدید می آید و همین پیوند ما را به مقامی می رساند که آن ها در آن روز دستانمان را بگیرند و از حوادث وحشت بار قیامت نجات بخشند (محمدی اشتهااردی،

درس‌های صحیفه سجاده، ص ۹۳).

۲.۴. بررسی صلوات در بُعد تربیتی

انسان برای پیمودن راه‌های کمال و در امان ماندن از کج‌روی‌ها نیازمند به اُسوه و اَلگو است؛ صلوات‌های امام سجاد (ع) از یک‌سو همواره با صلوات بر «آل» عجین شده تا کیفیت صحیح صلوات را متذکر، شوند و از سوی دیگر در کنار صلوات، صفات و کمالات پیامبر و آل محمد (علیهم‌السلام) را تبیین نموده‌اند که از جنبه اَلگو بودن آن‌ها حکایت می‌کند.

۱.۲.۴. صلوات وسیله اَلگو قرار دادن پیامبر

امام سجاد (ع) در صحیفه، به‌صورت کامل در مقام تبیین مکارم اخلاق، فضائل و کمالات پیامبر عظیم‌الشأن (ص) برآمده و می‌توان گفت: «صحیفه سجاده» آینه جمال و جلال خاتم انبیا (ص) به زبان دعا است. امام (ع) به بهترین شکل و عالی‌ترین سطح به آیه شریفه ۵۶ سوره احزاب عمل کرده، جلوه‌های بدیع، متنوع و جذاب صلوات را از نظر ساختار بیانی، با زیبایی در لابه‌لای کلمات صحیفه گنجانده و پیامبر (ص) را به‌عنوان بهترین اَلگو، معرفی کرده است. ایشان در دعای دوم، با ذکر صلوات به توصیف کمالات بی‌بدیل رسول خدا (ص) «امین الهی، اشرف مخلوقات، برگزیده الهی، پیشوای رحمت، قائد خیر و کلید برکت بودن» پرداخته و به این صورت عشق و ارادت قلبی خویش به ساحت قدسی پیامبر (ص) را ابراز نموده‌اند.

در ادامه همین دعا زحمات بی‌شائبه و طاقت‌فرسای پیامبر (ص) را ترسیم و می‌فرمایند: «جانش را برای فرمانت به‌زحمت انداخت، بدنش را در راحت در معرض ناراحتی قرارداد، در طریق دعوت به سویی تو، آشکارا با خویشان رودرو قرار گرفت و در مسیر خشنودی تو با اشخاص خانواده‌اش جنگید، در راه برقراری دینت، از خویشاوندانش برید، نزدیک‌ترین بستگانش را به سبب انکارشان، از خود دور کرد و دورترین انسان‌ها را به علت پذیرفتن دین تو، به خود نزدیک نمود». (دعای دوم، فراز ۱۰-۴). امثال بلال، سلمان و ابوذر را به خویش نزدیک کرد و در مورد سلمان فرمود: «منا اهل البیت» و از آن طرف ابوجهل و ابولهب را علی‌رغم «قرشی بودن» از خود طرد نمود. امام روی مسئله هجرت پیامبر (ص) و درگیری با خویشان و خانواده تأکید فرمودند؛ زیرا پیامبر مکه را خیلی دوست می‌داشت و به آن عشق می‌ورزید، باین حال از آنجا هجرت کرد و به دیار غربت رفت «لِإِعْزَازِ دینِکَ: برای عزیز شدن دینت» (دعای دوم، فراز ۱۶). این سو و آن سورت تا برای تقویت دین تو یار پیدا کند «وَ اسْتِصْاراً عَلَى أَهْلِ الْکُفْرِ بِکَ» (همان).

امام سجاد (ع) در موارد متعدد بعد از «صلوات»، به تبیین صفات و ویژگی‌های برجسته پیامبر (ص) پرداخته و ایشان را به‌عنوان «اُسوه» معرفی نموده‌اند. در فراز هفدهم تا بیست و دوم از دعای چهل و دوم بعد از صلوات و درود بر پیامبر و آلش به تبیین برخی دیگر از صفات رسول اکرم پرداخته تا آنجایی که از خداوند درخواست می‌کند: «ما را بر اساس سنت و سیره او زنده بدار و بر آیین او بمیران، ما را پیرو او قرار بده و در زمره او در قیامت محشور نما و به حوض کوثرش وارد و به جام ساغرش سیرابمان فرما».

۲.۲.۴. صلوات وسیله اَلگو قرار دادن اهل بیت

با توجه به اوضاع نابسامان سیاسی و اجتماعی زمان امام سجاد (ع) که بنی‌امیه تمام همت خویش را به کار بستند

تا فرزندان حضرت فاطمه (س) را ذریه علی (ع) معرفی کنند و با تبلیغات وسیع مانع بشوند که آنها خود را «ابناء الرسول» بنامند، مردم شام معاویه و خاندان او را خاندان رسول خدا می‌شناختند و هیچ‌کس را در اسلام همپای او نمی‌دانستند (مسعودی، بی‌تا، ۳/ ۴۵)؛ از این رو ضرورت داشت که امام (ع) با ذکر صلوات‌های پیاپی در اکثر دعا‌های صحیفه، به معرفی «اهل بیت» به‌عنوان «آل» و تبیین جایگاه آنها در جامعه، تأکید نمایند.

امام ۷ می‌فرمایند: خداوند «اهل بیت» را به‌عنوان وارثان پیامبر (ص) معرفی می‌کند (دعای ۴۲، فراز ۵) و به این وسیله آنان را بر تمامی مردم برتری داده (دعای ۲۴، فراز ۴)، مقامشان را هم‌پایه مقام پیامبر و نقششان را همانند نقش اولیاء الله، روشن‌گری در راه خدا می‌داند (دعای ۴۲، فراز ۸).

در این دوران که از نهادن نام «علی» بر فرزندان جلوگیری می‌شد و کار امویان جز با دشنام دادن بر علی (ع) استوار نمی‌ماند (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ۲۲۰/۱۳)، امام سجاد (ع) با اختصاص دادن صلوات بر محمد و آل و عجین کردن این ذکر به تعبیری که از «عصمت و برگزیده الهی بودن» ائمه حکایت می‌کند، بر شایستگی و اُسوه و الگو بودن آنها تأکید نمودند.

حضرت در موارد متعدد، بعد از ذکر «صلوات» از تعبیری همانند: «اهل بیتِ الطَّاهِرین» (دعای ۲۴، فراز ۱)، «اهل بیتِ الطَّیِّبِینِ الطَّاهِرین» (دعای ۱۷، فراز ۱۵)، «عِثْرَتِ الصَّفْوَةِ مِنْ بَرِیتِکِ الطَّاهِرین» (دعای ۳۴، فراز ۵)، «أَطَائِبِ اهل بیت» (دعای ۴۷، فراز ۵۶)، استفاده کرده‌اند. امام بر طهارت ائمه (ع) از هرگونه گناه و رجس و پلیدی تأکید دارند و می‌فرمایند: خداوند آنها را منزه قرارداد تا آنها را برای اجرای دستورات خویش انتخاب و باوجود آنها حجت را بر بندگان تمام کرده باشد و آنها را وسیله‌ای برای رسیدن بندگان به خود و رضوان الهی قرار بدهد. (دعای ۴۷، همان).

در فراز پنجم از دعای سی و چهارم، امام بعد از ذکر صلوات، پیامبر و ائمه را به‌عنوان برترین انسان‌ها، برگزیدگان الهی و برخوردار از عصمت، معرفی نموده‌اند و از خداوند می‌خواهند که ما را شنونده گفتار آنها و مطیع دستورات آنها قرار دهد. بنابراین با درود مستمر بر آنها، باید پیوند معنوی و همه‌جانبه خود را با آنها حفظ کنیم و شیوه زندگی آنان را اُسوه زندگی خود، سازیم.

همچنین حضرت بعد از ذکر «صلوات» از تعبیری همانند «اهل بیتِ الذِّینِ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِکَ، وَ... وَ خُلَفَاءَکَ فِی أَرْضِکَ وَ حُجَجَکَ عَلَی عِبَادِکَ» (دعای ۴۷، فراز ۵۷)، «وَصَلِّ عَلَی خَیْرَتِکَ» (دعای ۳۴، فراز ۵). بهره بردند و بسیار بدیهی است، که امام (ع) با این عبارات، مسئله امامت را از آن اوصیای شایسته و امین پیامبر، دانسته و تلاش می‌کنند تا آنها را به‌عنوان الگو معرفی کنند.

۳.۴. بررسی صلوات در بُعد سیاسی

حرکت ائمه (ع) در حیطه فردی و اجتماعی بر مدار رضایت الهی است؛ براین اساس قیام و یا سکوت هر یک از آنها هرگز ناشی از تمنیات نفسانی و یا خوش‌آمد دیگران، نیست؛ زیرا امام، کسی است که از سُلطه نفس، رها شده و تنها عبد خداست و هر عملی که انجام می‌دهد، نشان از رضای اوست.

امام سجاد (ع) سراسر زندگی خویش را در دوران اختناق بنی‌امیه، سپری کرد، زمانی که سردمداران حکومت آشکارا و بدون هیچ‌گونه پرده‌پوشی به مقدسات اسلامی توهین و اصول اسلامی را زیر پا می‌گذاشتند. در این دوران ارزش‌های

دینی، دستخوش تحریف، قرار گرفت و احکام اسلام، بازیچه حُکام اُموی، واقع شد؛ تربیت دینی مردم به شدت تنزل کرد و ارزش‌های جاهلی، احیاء شد (جعفریان، ۱۳۷۶، ۲۶۰). در توصیف دوران امامت امام سجاد (ع) حسن بصری می‌گوید: «اگر رسول خدا برگردد، از میان آنچه به شما تعلیم داده است، جز قبله را نمی‌شناسد»، (احمدوند، ۱۳۹۱، ۴۲). امام سجاد (ع) نیز در تبیین شرایط این دوران فرمودند: «بیست نفر در مکه و مدینه یافت نمی‌شود که ما خانواده رسول الله (ص) را دوست داشته باشند» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ۱۰۴/۴).

امام (ع) در چنین عصری، از شیوه زبانی مستقیم، مثل «خطابه و نامه» و از شیوه عملی مستقیم مانند «قیام» بهره نگرفت. بلکه از شیوه زبانی مستقیم، یعنی «دعا» و شیوه عملی غیرمستقیم، مانند عبادت، مکارم اخلاق و... مردم را به سوی دین و اخلاق متوجه ساخت. (مجد فقیهی، ۱۳۷۶، ۱۵).

امام (ع) از مجموع ۵۴ دعای صحیفه سجادیه، ۴۶ دعا را به ذکر شریف صلوات مزین کرده‌اند. ایشان در این ۴۶ دعا ۱۹۶ مرتبه این ذکر را تکرار کرده‌اند، استعمال این ذکر در این حجم انبوه، قطعاً اتفاقی نیست و می‌توان گفت: علاوه بر برکات و منافع معنوی و نماد پیوند مسلمان‌ها با پیامبر و آلش، بیشتر جنبه سیاسی و اجتماعی دارد. امام به ما آموختند که پیوسته از اهل بیت عصمت و طهارت یاد کنیم تا فضای منزوی کردن آنها از بین برود.

۴.۳.۱. صلوات شعار کوبنده سیاسی

در دوران امامت امام سجاد (ع) «صلوات»، یک مسئله سیاسی و اجتماعی بود؛ زیرا خلفای بنی‌امیه قریب به ۶۰ سال علی (ع) را در ملاء عام سب و لعن می‌کردند (ابو الفداء، ۱۲۸۹، ۲۰۱/۱؛ ابن اثیر، ۱۴۲۰، ۴۳/۵) در این زمان بیش از هفتاد هزار منبر وجود داشت که بر فراز آنها علی (ع) لعن می‌شد (زمخشری، ۱۴۱۲، ۳۳۵/۲). ذکر نام و فضائل ائمه (علیهم‌السلام) ممنوع بود و ناسزاگویی به آنها راهی برای تقرب به دشمنانشان، محسوب می‌شد. منهال بن عمرو می‌گوید: محضر امام سجاد (ع) رسیدم و جوایای حالش شدم، حضرت فرمود: ما در میان قوم خویش، همانند بنی‌اسرائیل در بین فرعونیان شده‌ایم که فرزندان‌شان را می‌کشتند، زنان‌شان را زنده نگه می‌داشتند و به‌خاطر تقرب به دشمنان ما بر روی منبرها از بزرگ و سرور ما (علی بن ابی‌طالب) بدگویی کرده و ایشان را سب، می‌کنند^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۶/۷۳).

در چنین فضایی سخن از «آل محمد» برای این است که نام و یاد آنها، فراموش نشود. تکرار «صلوات» در آن دوران خفقان، پیام‌آور امامت راستین «آل محمد» و یک شعار سیاسی علیه حاکمان طاغوتی و معاند اهل‌بیت (ع) بود. اینکه حضرت در دعای ۴۸ که به‌عنوان دعای عید قربان در روز جمعه، خوانده می‌شود، قریب به بیست مرتبه از این ذکر سخن به میان آوردند و دستور دادند در پایان این دعا، هزار مرتبه این ذکر قرائت شود، به این دلیل است که روز جمعه و عید قربان از ایام سیاسی، محسوب می‌شوند و امام می‌خواهند رسالت و امامت را توأمان مطرح و اعلام کنند که رسالت بدون امامت «آل محمد» ناقص است و این دو باید قرین هم باشند تا حکومت اسلامی به‌صورت صحیح، برقرار شود.

۴.۳.۲. صلوات وسیله احیاء نام و یاد «آل محمد»

۱. عن المنهال یعنی بن عمرو قال دخلت علی علی بن حسین فقلت کیف أصبحت اصلحك الله فقال ... فی قوما بمنزلة بنی اسرائیل فی آل فرعون اذ کانوا یذبون ابناءهم ویستحیون نساءهم و أصبح شیخنا وسیدنا یتقرب الی عدونا بشتمة او سبه علی المنابر

در این دوران برخی درصدد حذف نام پیامبر (ص) از اذان برآمدند (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ۵/۵۲)، گذاردن نام علی بر اولاد را منع می‌کردند (ابن حجر، ۱۴۰۶، ۴/۲۱۰) و واژه «آل» را از صلوات حذف نمودند (مدنی، ۱۴۲۸، ۳۰۱).

در دوران امامت امام سجاد (ع) وقتی عبدالله بن زبیر به حاکمیت رسید، چهل هفته نماز جمعه اقامه کرد و در خطبه‌های نماز جمعه صلوات بر پیامبر (ص) را منع کرد (بلاذری، ۱۴۱۷، ۵/۳۳۳؛ مسعودی، بی‌تا، ۳/۹۶) به‌صراحت اعلام نمود: ذکر صلوات در خطبه نماز جمعه باید حذف گردد؛ زیرا پیامبر خویشان بدی دارد و هنگام استعمال ذکر صلوات آن‌ها اظهار سربلندی می‌کنند (همان، ۵/۴۸۲). در برخی متون دیگر، ابن زبیر دلیل منع «صلوات» را بغض و کینه خویش نسبت به اهل بیت (علیهم‌السلام) می‌دانست (مسعودی، بی‌تا، ۳/۸۰).

در این شرایط که دشمنان اهل بیت (ع) تمام همت خویش را بکار بسته بودند تا به‌طور کلی «آل محمد (ص)» در ورطه فراموشی، قرار بگیرند و انزوای اهل بیت (علیهم‌السلام) در حدی است که امام سجاد (ع) تنهایی، نداشتن حامی و مظلومیت خویش را آشکارا اعلام می‌دارد و می‌فرماید: «در مکه و مدینه حتی بیست نفر وجود ندارد که ما را دوست بدارند» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ۴/۱۰۴) و اصلاً زمینه استفاده از منبر، خطابه و قیام برای حضرت وجود ندارد، امام (ع) با استفاده از زبان دعا تلاش کردند تا شعار «صلوات» در جهان‌بینی تشیع علوی، دائمی و همیشگی باشد و به‌صورت عملی به‌عنوان یک راهبرد به همه آموختند که این ذکر شریف در آغاز، وسط و آخر همه دعاها نهادینه شود و در یادها تثبیت گردد.

ایشان در بند ۲۴ دعای سیزدهم صحیفه به خدا عرض می‌کند: «وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَاةً دَائِمَةً نَامِيَةً لَا انْقِطَاعَ لِأَبْدِهَا وَلَا مُنْتَهَى لِأَمَدِهَا وَاجْعَلْ ذَلِكَ عَوْنًا لِي وَسَبَبًا لِنَجَاحِ طَلِبَتِي: و بر محمد (ص) و آل او درود و رحمت بفرست، درودی همیشگی، فزاینده که دوامش پایان نیابد و مدتش به آخر نرسد و این رحمت و درود را حامی من قرار بده و باعث روا شدن درخواستم فرما». در جایی دیگر امام (ع) مسئله رهبری علوی را که از امامت امیرالمؤمنین نشئت می‌گیرد، پس از رسالت پیامبر (ص) مطرح می‌نماید و در بند ۱۶ از دعای چهل و نهم به خدا عرض می‌کند: «اللَّهُمَّ فَإِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِالْمُحَمَّدِيَّةِ الرَّفِيعَةِ وَالْعُلُوَّةِ الْبَيْضَاءِ وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِهِمَا أَنْ تُعِيدَنِي مِنْ شَرِّ كَذَا وَكَذَا: خداوند! من به مقام ارجمند محمد (ص) و منزلت والا و درخشان علوی (ولایت علی (ع) به پیشگاهت تقرب می‌جویم و با توسل و پیوند به این دو، به‌سوی حضرتت روی می‌آورم، که به‌حق آن‌ها مرا از گزند این‌وآن حفظ کنی».

تکرار «صلوات» در حجم انبوه به‌عنوان ترجیع‌بند بسیاری از فرازهای صحیفه سجاده، قطعاً یک رفتار سیاسی و تجلی «تولی و تبری» است. هدف امام (ع) از کاربرد این ذکر: ۱- طرح حقانیت خاندان محمد (ص) و آل او در مقابل خلفای اموی ۲- تأکید بر اصل امامت به‌عنوان اصل اعتقادی در اندیشه سیاسی شیعیان، ۳- ذکر نسب خویشاوندی و نسبت نزدیک خانوادگی با پیامبر (ص) به‌عنوان یکی از سیاسی‌ترین و انقلابی‌ترین شعارها است؛ چراکه عدم نسبت خویشاوندی بنی‌امیه با پیامبر (ص) نقطه‌ضعف آنها محسوب می‌شد و همین مسئله موجب شد تا بعدها عباسیان شعار «الرضا من آل محمد (ص)» را به‌عنوان شعار قیام ضد اموی خود، انتخاب کنند (برزگر، ۱۳۹۱ ش، ۶۸).

امام (ع) با صلوات‌های مکرر، یاد و نام اهل بیت (ع) را زنده نگه داشت و به ما آموخت که اسلام منه‌ای ولایت، اسلام اموی‌ها و طاغوت‌ها است، به ما آموخت که ذکر صلوات تجلّی تولّی، محبت و دوستی خاندان عصمت و طهارت و توجه دادن به ولایت آن‌ها و تبرّی از دشمنان آن‌ها است.

۵. نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که امام سجاد (ع) در دوران حاکمیت اختناق اموی و انحطاط فکری و اخلاقی جامعه اسلامی، با اتخاذ راهبردی عبادی-سیاسی، رسالت امامت و هدایت امت را در قالب دعا و صلوات استمرار بخشیدند.

بررسی ادعیه صحیفه سجادیه نشان داد صلوات در بعد کمی یکی از پربسامدترین عبارات بوده و ۱۹۶ بار در این کتاب شریف تکرار شده است.

در بعد بررسی کیفی و محتوایی، مشخص شد صلوات در اندیشه امام سجاد (ع) ابزاری چندسویه برای تثبیت مرجعیت معرفتی و هویتی اهل بیت (ع) و ابزار مبارزه سیاسی بوده است و سه کارکرد اساسی برای آن منظور بوده است: ۱. در بُعد کلامی-اعتقادی، صلوات جلوه التزام به اصول توحید، نبوت و امامت است و به عنوان نماد ایمان و میثاق معنوی مؤمنان تلقی شده است.

۲. در بُعد تربیتی-معرفتی، امام با توصیف صفات و کمالات پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) در همراهی با صلوات، الگوی تربیت و اقتدار را در میان پیروان نهادینه ساختند.

۳. در بُعد سیاسی-اجتماعی، تکرار و تأکید بر صلوات همراه با «آل محمد (ص)»، راهبردی نرم برای احیای هویت شیعی و حفظ پیوند امت با مرجعیت دینی در دوران فشار اموی به شمار آمده است.

بدین سان، صلوات در اندیشه امام سجاد (ع) از سطح یک ذکر عبادی فردی فراتر رفته و به راهبردی چندوجهی برای تبیین عقیده، تربیت اسلامی و مقاومت فرهنگی شیعه تبدیل گردیده است.

۶. منابع

- قرآن کریم.

۱. نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، تهران، انتشارات فیض الاسلام، ۱۳۷۹ ش.

۲. صحیفه سجادیه، ترجمه الهی قمشاهی، قم، دار العلم، ۱۳۸۵ ش.

۳. ابن ابی الحدید، عبدالحمید. شرح نهج البلاغه. قم: مکتبه آیه مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.

۴. ابن منظور، جمال الدین. لسان العرب. بیروت: دارصادر، ۱۴۱۴ ق.

۵. ابن میثم بحرانی، کمال الدین. قواعد المرام فی علم الکلام. قم: مکتبه آیه مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ ق.

۶. ابن اثیر، محمد بن محمد. الکامل فی التاریخ. بیروت: دارصادر، ۱۴۲۰ ق.

۷. ابن حجر، شهاب الدین. لسان المیزان. بیروت: مؤسسة الاعلمی، ۱۴۰۶ ق.

۸. ابن حنبل، احمد بن محمد. مسند الامام احمد بن حنبل. بیروت: مؤسسة الرساله، ۱۴۱۶ ق.

۹. ابن سعد، محمد. *الطبقات الکبری*. بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۰ق.
۱۰. ابن عاشور، محمد طاهر. *التحریر و التنویر*. بی جا: مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۰ق.
۱۱. ابوالفداء، اسماعیل بن علی. *المختصر فی اخبار البشر*. بیروت: دارالمعرفه، ۱۲۸۹ق.
۱۲. ابی السعود، محمد بن محمد. *ارشاد عقل السلیم الی مزایا القرآن الکریم*. بیروت: احیاء التراث، ۱۹۸۲م.
۱۳. احمدوند، فردین. *مکارم اخلاق در صحیفه*. قم: زائر، ۱۳۹۱ش.
۱۴. بخاری، محمد بن اسماعیل. *صحیح البخاری*. قاهره: احیاء کتب السنه، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۱۵. برزگر، ابراهیم. *درآمدی بر اندیشه سیاسی صحیفه سجاده*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۱ش.
۱۶. بلاذری، احمد بن یحیی. *انساب الاشراف*. بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
۱۷. جعفریان، رسول. *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه (علیهم السلام)*. قم: مرکز جهانی علوم انسانی، ۱۳۷۶ش.
۱۸. جوادی آملی، عبدالله. *ادب فنای مقربان*. قم: اسراء، چاپ ششم، ۱۳۸۹ش.
۱۹. حسکانی، عبیدالله. *شواهد التنزیل*. تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۲۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. *مفردات الفاظ القرآن*. بیروت: دارالشامیه، ۱۴۱۲ق.
۲۱. زمخشری، محمود بن عمر. *ربیع الابرار و نصوص الاخبار*. بیروت: مؤسسة الاعلمی، ۱۴۱۲ق.
۲۲. سیوطی، عبدالرحمن. *الدر المنثور*. قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۲۳. شیخ آقا بزرگ، محمد حسن. *الذریعه الی تصانیف الشیعه*. بیروت: دارالاضواء، ۱۳۷۸ق.
۲۴. صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی. *معانی الاخبار*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۳ق.
۲۵. _____ . *کمال الدین و تمام النعمه*. تهران: اسلامیه، ۱۳۹۵ش.
۲۶. _____ . *عیون اخبار الرضا (ع)*. تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ش.
۲۷. طباطبایی، محمد حسین. *المیزان*. بیروت: مؤسسة الاعلمی، چاپ دوم، ۱۳۹۰ق.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن. *مجمع البیان*. تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
۲۹. طوسی، محمد بن الحسن. *الامالی*. قم: دارالثقافه، ۱۴۱۴ق.
۳۰. _____ . *مصباح المتهجد*. بیروت: مؤسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۱ق.
۳۱. قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم. *ینابیع الموده*. بی جا: دارالاسوه، ۱۴۱۶ق.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب. *الکافی*. تهران: دارالکتب، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۳۳. لاهیجی، عبدالرزاق. *گوهر مراد*. تهران: انتشارات سایه، ۱۳۸۳ش.

۳۴. مجد فقیهی، محمد علی. *آشنایی با صحیفه سجادیه*. قم: مرکز جهانی، ۱۳۷۶ ش.
۳۵. مجلسی، محمد باقر. *بحار الانوار*. بیروت: احیاء التراث، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۳۶. محمدی اشتیاردی، محمد. *درس‌های صحیفه سجادیه*. تهران، نبوی، ۱۳۸۸ ش.
۳۷. مدنی شیرازی، سید علی خان. *ریاض السالکین*. قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۳۲ ق.
۳۸. مدنی، سید محمد هاشم. *الصلاة البتراء*. قم: موسسه الکوثر، ۱۴۲۸ ق.
۳۹. مسعودی، علی بن الحسین. *مروج الذهب*. بیروت: دارالکتب، بی تا.
۴۰. مظفر، محمد حسن. *دلائل الصدق لنهج الحق*. قم: موسسه آل البيت، ۱۴۲۲ ق.
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر. *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب، چاپ دهم، ۱۳۷۱ ش.

